

ایران ۲۰۳۵؛ قله آرمانی یا دره جهنمی؟

(۳۲ گزارش و ۵۲ شاخص بین‌المللی، ایران را بر دامنه‌ای لغزان میان ظرفیت‌های بزرگ و بنیان‌های توسعه‌ای شکننده نشان می‌دهند)

❖ مقدمه

آیا ایران بر قله‌ای آرمانی ایستاده است یا به دره‌ای جهنمی سقوط کرده است؟ هیچ‌یک از این دو روایت، به‌تنهایی واقعیت پیچیده ایران را توضیح نمی‌دهد. طرح «ایران ۲۰۳۵» برای عبور از این دوگانه، جایگاه کشور را با استفاده از ۳۲ گزارش بین‌المللی و ۵۲ شاخص مقایسه‌ای، از توسعه انسانی و نوآوری تا حکمرانی، آزادی اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری، بررسی کرده است. برآیند این شاخص‌ها، ایران را نه بر قله و نه در دره، بلکه بر «دامنه‌ای لغزان» نشان می‌دهد: کشوری برخوردار از سرمایه انسانی، موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و ظرفیت نوآوری که ضعف نهادها، ناامنی سرمایه‌گذاری، محدودیت حقوق مالکیت و فاصله از اقتصاد جهانی، بهره‌برداری از ظرفیت‌های آن را دشوار کرده است. بنابراین، آینده ایران تا سال ۲۰۳۵ بیش از حجم داشته‌هایش، به کیفیت حکمرانی و توان تبدیل این ظرفیت‌ها به توسعه پایدار وابسته است.

❖ شاخص‌ها؛ نه تمام واقعیت، نه قابل چشم‌پوشی

هیچ شاخص بین‌المللی به‌تنهایی نمی‌تواند تصویری کامل و بی‌طرفانه از یک کشور ارائه دهد. تفاوت در تعریف مفاهیم، سال و دامنه ارزیابی، کیفیت داده‌ها و قضاوت‌های کارشناسی بر نتایج اثر می‌گذارد. افزون بر این، برخی شاخص‌ها در سنجش موضوعاتی مانند حکمرانی، آزادی اقتصادی و کیفیت نهادی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند.

با این حال، کنار گذاشتن این شاخص‌ها نیز منطقی نیست. بسیاری از آنها بر داده‌های رسمی استوارند و بررسی تغییراتشان در طول زمان می‌تواند جهت حرکت کشور را نشان دهد. تکرار یک نتیجه در چند منبع مستقل نیز نشانه‌ای است که نمی‌توان به‌سادگی از آن گذشت. بنابراین، این شاخص‌ها را نباید حکمی قطعی درباره ایران دانست؛ بلکه باید آنها را نشانه‌هایی مقایسه‌ای برای شناخت قوت‌ها، ضعف‌ها و روندهای نگران‌کننده در نظر گرفت.

❖ ایران کجای جهان ایستاده است؟

بررسی ۵۲ شاخص نشان می‌دهد ایران در ۶۳ درصد موارد پایین‌تر از متوسط جهان قرار دارد و در ۳۷ درصد دیگر، در میانه جهان یا بالاتر از متوسط جهانی ایستاده است. این یافته نه روایت فروپاشی کامل را تأیید می‌کند و نه ایران را در شمار الگوهای موفق توسعه قرار می‌دهد؛ در مجموع، جایگاه کشور را می‌توان «میانه، اما متمایل به پایین» توصیف کرد.

فاصله ایران با دو رقیب منتخب منطقه‌ای، یعنی ترکیه و عربستان، محسوس‌تر است. ایران تنها در یک شاخص، معادل حدود ۲ درصد موارد، هم‌زمان از هر دو کشور جلوتر بوده است. در ۷۱ درصد شاخص‌ها از هر دو عقب‌تر قرار گرفته و در ۲۷ درصد باقی‌مانده فقط توانسته است با یکی از آنها برابری کند یا از آن پیشی بگیرد.

البته این درصدها از کنار هم قراردادن شاخص‌هایی با سال ارزیابی، روش و پوشش متفاوت به دست آمده‌اند و همه شاخص‌ها در این محاسبه وزن یکسانی دارند. بنابراین، این اعداد جهت کلی جایگاه ایران را نشان می‌دهند، نه یک نمره مرکب و قطعی.

این مقایسه یادآوری می‌کند که بهبود داخلی به‌تنهایی کافی نیست؛ سرعت حرکت دیگر کشورها نیز اهمیت دارد. حتی اگر وضعیت ایران اندکی بهتر شود، حرکت سریع‌تر رقبا می‌تواند جایگاه نسبی کشور را تنزل دهد.

ایران در خلأ حرکت نمی‌کند؛ توقف نسبی در جهانی که دیگران پیش می‌روند، در عمل نوعی عقب‌ماندن است.

❖ پارادوکس ایران؛ میوه‌های توسعه، ریشه‌های فرسوده

یافته محوری این گزارش، شکاف میان دستاوردهای توسعه و عوامل سازنده آن است. ایران در شاخص‌های سنجش «میوه‌های توسعه» عمدتاً در پله‌های ۵ تا ۷ نردبان ده‌پله‌ای قرار دارد؛ اما در شاخص‌های مربوط به «ریشه‌های توسعه» بیشتر در پله‌های صفر تا ۴ ایستاده است. برای روشن‌شدن این شکاف، جدول ۱ جایگاه ایران را در دو گروه شاخص‌های «توسعه‌سنج» و «توسعه‌ساز» مقایسه می‌کند؛ اولی دستاوردهای انباشته توسعه را نشان می‌دهد و دومی، کیفیت عوامل تولید و تداوم آن را.

جدول ۱. مقایسه جایگاه ایران در شاخص‌های توسعه‌سنج و توسعه‌ساز

بُعد	نمونه شاخص‌ها	جایگاه ایران	برداشت تحلیلی
میوه‌های توسعه	آموزش، سلامت، توسعه انسانی و سرمایه انسانی	پله‌های ۵ تا ۷	برخوردار از دستاوردهای انباشته گذشته
ریشه‌های توسعه	حکمرانی، حقوق مالکیت، آزادی اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری	پله‌های صفر تا ۴	ضعف سازوکارهای حفظ و تولید توسعه

این شکاف را می‌توان با منطق «ذخیره و جریان» توضیح داد. آموزش، سلامت و سرمایه انسانی، دستاوردهایی هستند که طی چند دهه انباشته شده‌اند؛ اما کیفیت حکمرانی و کارآمدی نهادها تعیین می‌کند که این ذخایر حفظ شوند و دستاوردهای تازه‌ای نیز به آنها افزوده شود.

گزارش برای توضیح این وضعیت، سه فرضیه مکمل مطرح می‌کند:

- ✓ نخست، دولت توسعه‌گرا که در زیرساخت‌ها و خدمات عمومی سرمایه‌گذاری کرده است؛
- ✓ دوم، دولت رانتی^۱ یا متکی به رانت منابع طبیعی که بخشی از رفاه را با درآمد منابع طبیعی تأمین کرده؛ و
- ✓ سوم، دولت معامله‌گر که آب، انرژی و درآمدهای عمومی را برای حفظ تعادل‌های کوتاه‌مدت مصرف کرده است.

این سه الگو لزوماً جایگزین یکدیگر نیستند و می‌توانند در دوره‌های مختلف یا حتی به‌طور هم‌زمان عمل کرده باشند.

اگر عوامل توسعه‌ساز ترمیم نشوند، دستاوردهای موجود نیز ممکن است بر اثر افت کیفیت آموزش، مهاجرت سرمایه انسانی، کاهش سرمایه‌گذاری و استهلاک زیرساخت‌ها به تدریج فرسوده شوند. خطر اصلی، فقدان دستاورد نیست؛ تضعیف سازوکارهای حفظ و بازتولید آن است.

❖ نه قله، نه دره؛ ایران بر «دامنه لغزان»

برآیند گزارش نشان می‌دهد موقعیت ایران حاصل هم‌زمانی ظرفیت‌های قابل‌توجه و موانع جدی توسعه است. کشور هنوز از مزیت‌های مهمی برخوردار است، اما در تبدیل آنها به دستاوردهای پایدار با محدودیت‌های نهادی، اقتصادی و بین‌المللی روبه‌روست. جدول ۲، دو سوی این «دامنه لغزان» را در قالب هشت ظرفیت امیدوارکننده و هشت مانع نگران‌کننده نشان می‌دهد.

جدول ۲. دو سوی «دامنه لغزان»: ظرفیت‌ها و موانع توسعه ایران

ظرفیت‌های امیدوارکننده	موانع و روندهای نگران‌کننده
موقعیت جغرافیایی و همسایگی گسترده	حاشیه‌نشینی و پیوند محدود با جهان
سرمایه انسانی و دستاوردهای آموزش و سلامت	کارآمدی حکمرانی رو به افول
کاهش شکاف جنسیتی در آموزش و سلامت	شکاف جنسیتی در اشتغال و سیاست
مهارت‌های میان‌فرهنگی و انسجام اجتماعی	آزادی سیاسی محدود
ظرفیت علمی و نوآوری	آزادی اقتصادی نامطلوب
برخورداري از قدرت سخت، نرم و ترکیبی	امنیت بسیار پایین سرمایه‌گذاری
ذخایر طبیعی و جذابیت‌های گردشگری	حقوق مالکیت نامطلوب
جمعیت و بازار داخلی بزرگ	مشروعیت پایین بر پایه شاخص‌های گزارش

^۱ Rentier State

همزمانی این ظرفیت‌ها و موانع، مفهوم «دامنه لغزان» را توضیح می‌دهد. ایران هنوز بر بستری از دستاوردها و مزیت‌های مهم ایستاده است؛ اما مصرف منابع برای حفظ تعادل‌های کوتاه‌مدت، مهاجرت سرمایه انسانی، استهلاک زیرساخت‌ها و افزایش فاصله با تحولات جهانی، حفظ این موقعیت را دشوارتر می‌کند. در چنین شرایطی، حتی ثبات برخی شاخص‌ها نیز الزاماً نشانه موفقیت نیست؛ زیرا حرکت سریع‌تر جهان و رقبای منطقه‌ای می‌تواند به تنزل جایگاه نسبی ایران منجر شود. «دامنه لغزان» فقط توصیف وضعیت امروز نیست، بلکه هشدارى درباره جهت حرکت کشور تا سال ۲۰۳۵ است. ایران هنوز فرصت صعود دارد؛ اما ادامه مسیر موجود می‌تواند دستاوردهای امروز را به آرزوهای فردا تبدیل کند.

❖ از فرسایش تا بازسازی؛ مسیر هنوز باز است

جایگاه ایران در سال ۲۰۳۵ از پیش تعیین نشده است. تداوم تنش خارجی، نااطمینانی اقتصادی، ضعف حقوق مالکیت، ناپایداری آب و انرژی و افت سرمایه‌گذاری می‌تواند به فرسایش تدریجی زیرساخت‌ها، خدمات عمومی و سرمایه انسانی بینجامد. در این مسیر، سقوط لزوماً ناگهانی نیست؛ کشور ممکن است در ظاهر به حرکت ادامه دهد، اما نسبت به جهان و رقبای منطقه‌ای عقب‌تر برود. در مقابل، کاهش محدودیت‌های خارجی و اصلاح عوامل توسعه‌ساز می‌تواند امکان تغییر مسیر را فراهم کند. با این حال، گشایش خارجی به‌تنهایی توسعه ایجاد نمی‌کند؛ نحوه مدیریت فرصت‌ها، کیفیت حکمرانی، امنیت سرمایه‌گذاری و هدایت منابع به سوی زیرساخت، فناوری و سرمایه انسانی تعیین می‌کند که ایران از دامنه لغزان صعود کند یا وارد دور تازه‌ای از فرسایش شود. گشایش می‌تواند پنجره فرصت را باز کند؛ اما کیفیت حکمرانی تعیین می‌کند که از این پنجره، بازسازی وارد شود یا دور تازه‌ای از اتلاف منابع.

❖ دو بال تغییر مسیر؛ اهرم‌سازی و گره‌گشایی

گزارش برای تغییر مسیر ایران، ترکیب دو دسته راهبرد را پیشنهاد می‌کند.

- ✓ راهبردهای اهرم‌ساز، موقعیت جغرافیایی، سرمایه انسانی، ظرفیت نوآوری، منابع طبیعی و بازار بزرگ کشور را به‌عنوان موتورهای بالقوه توسعه به کار می‌گیرند.
- ✓ در مقابل، راهبردهای گره‌گشا بر کاهش انزوای اقتصادی، بهبود امنیت سرمایه‌گذاری، تقویت حقوق مالکیت، اصلاح حکمرانی و افزایش مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان متمرکزند.

اهرم‌سازی بدون رفع موانع نهادی می‌تواند ظرفیت‌ها را به رانت و اتلاف تبدیل کند؛ گره‌گشایی بدون انتخاب موتورهای مشخص رشد نیز ممکن است تنها آرامشی کوتاه‌مدت ایجاد کند.

❖ جمع‌بندی؛ آینده از پیش نوشته نشده است

برآیند ۳۲ گزارش و ۵۲ شاخص نشان می‌دهد ایران نه فاقد دستاورد و ظرفیت است و نه در مسیر مطمئن توسعه قرار دارد. سرمایه انسانی، موقعیت جغرافیایی، بازار بزرگ، منابع طبیعی و توان نوآوری همچنان امکان صعود را فراهم می‌کنند؛ اما ضعف حکمرانی، ناامنی سرمایه‌گذاری، حقوق مالکیت نامطمئن، فاصله از اقتصاد جهانی و مصرف ناکارآمد منابع، این ظرفیت‌ها را در معرض فرسایش قرار داده‌اند.

خروج از «دامنه لغزان» به ترکیب دو راهبرد وابسته است: اهرم‌سازی از مزیت‌های موجود و آزادسازی ظرفیت‌های محبوس‌شده. گشایش خارجی می‌تواند فرصت تغییر مسیر را فراهم کند، اما تنها کیفیت نهادها، ثبات تصمیم‌ها و هدایت منابع به سوی بهره‌وری، فناوری و سرمایه انسانی است که این فرصت را به توسعه پایدار تبدیل می‌کند.

ایران ۲۰۳۵ نه با حجم داشته‌های امروز، بلکه با کیفیت انتخاب‌هایی ساخته می‌شود که امروز درباره این داشته‌ها انجام می‌دهیم.

ایران ۲۰۳۵ = ظرفیت‌های موجود × کیفیت نهادها و انتخاب‌های امروز